



The role of Franklin Publishing Institute in the centralization of primary textbook printing in Iran during the Pahlavi period

Meysam Amani * Karim Soleimany Dehkordi **

*PhD Student of Iranian Islamic History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran. Iran. Meysam.amani68@gmail.com

** (Correspondence author) Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran. Iran. soleimanyk@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 6 Mar 2022

Received in revised

form: 8 July 2022

Accepted: 16 Aug 2022

Published online: 22 Dec 2022

Keywords:

Franklin Publishing,
Institute,
Textbooks,
Textbook Organization,
Centralism,
Second Pahlavi.

The monopoly on textbook printing should be seen as a move towards centralization in education, which absolute governments were keen to do. In Iran, monopolies in education increased when the government was in a state of centralism, and conversely, when the central power was challenged, it filled the diversity of the educational space. With the occupation of Iran in September 1941 and the fall of Reza Shah's authoritarian government, a period of decentralized rule began and a great deal of taste and diversity arose in the field of textbooks. The Pahlavi government, which had taken a step towards centralism with the coup d'état of August 19, 1953, and saw this happen by being in the Western bloc, monopolized the printing of elementary textbooks with the help of the Franklin Publishing Company, an American company. Although the government since 1963. With the founding of the Textbook Organization, he's seemingly focused on the area under his supervision, but that did not diminish the influence of the Franklin Institute. In this article, an attempt has been made to study the formation of educational order through the organization of textbooks in a descriptive-analytical manner and relying on historical documents. Although the attempt to centralize the printing of textbooks was somewhat successful, since the government could not oversee the issue, we are witnessing the formation of a rent with the transfer of part of the government's privilege to a non-Iranian institution, which has met with many protests and oppositions. Encountered and seen as an attempt to eradicate indigenosity and educational freedoms.

Cite this article: Amani, Meysam & Soleimany Dehkordi, Karim (2022). Social The role of Franklin Publishing Institute in the centralization of primary textbook printing in Iran during the Pahlavi period. Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 16, No31, Pages.26-50.

DOI:10.22111/JHR.2022.41054.3310





© The Author; Meysam Amani & Karim Soleimany Dehkordi

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI. 10.22111/JHR.2022.41054.3310



نقش مؤسسه انتشارات فرانکلین در تمرکزگرایی چاپ کتب درسی ابتدایی در ایران دوره پهلوی در خلال سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۶ ش.

میثم امانی^۱  کریم سلیمانی دهکردی^۲ 

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران. ایران. Meysam.amani68@gmail.com
۲. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران. ایران (نویسنده مسئول) soleimanyk@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

انحصار چاپ کتاب‌های درسی را می‌بایست اقدامی در جهت تمرکزگرایی در حوزه آموزش دانست که دولت‌های مطلقه به شدت به انجام آن علاقه‌مند بودند. در ایران هنگامی که دولت در وضعیت تمرکزگرایی قرار می‌گرفت، انحصار در حوزه آموزش افزایش می‌یافت و برعکس، زمانی که قدرت مرکزی با چالش روبرو بود، تنوع فضای آموزشی را پر می‌کرد. با اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و سقوط حکومت استبدادی رضاشاه، دوره‌ای از حاکمیت غیرمتمرکز آغاز شد و در زمینه کتب درسی، سلايق و تنوع فراوانی به وجود آمد. حکومت پهلوی که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قدم در سلايق و تنوع فراوانی گذاشته بود و تحقق این امر را با قرار گرفتن در بلوک غرب می‌دید، با استمداد از تمرکزگرایی گذشته بود و تحقق این امر را با قرار گرفتن در بلوک غرب می‌دید، با استمداد از مؤسسه انتشارات فرانکلین که یک شرکت آمریکایی بود، چاپ کتب درسی ابتدایی را در انحصار گرفت. اگرچه دولت از سال ۱۳۴۲ ش. با تأسیس سازمان کتب درسی به ظاهر در جهت تمرکز این حوزه تحت نظارت خود برآمد، اما این امر از نفوذ مؤسسه فرانکلین نکاست. در این مقاله تلاش شده است تا با روشی توصیفی-تحلیلی و با اتکا بر اسناد تاریخی، چگونگی شکل‌گیری نظم آموزشی از طریق سامان یافتن کتب درسی بررسی شود. اگرچه اقدام به تمرکزگرایی در چاپ کتب درسی تا حدی با توفیق همراه بود، اما از آنجا که دولت امکان نظارت بر این مسئله را نداشت، شاهد شکل‌گیری یک رانت همراه با واگذاری بخشی از امتیاز دولت به یک مؤسسه غیرایرانی هستیم که با اعتراض‌ها و مخالفت‌های زیادی روبرو شد و تلاشی در جهت از بین بردن بومی‌گرایی و آزادی‌های حوزه آموزشی قلمداد شد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

واژه‌های کلیدی:

مؤسسه انتشارات

فرانکلین،

کتب درسی،

سازمان کتب درسی،

تمرکزگرایی،

پهلوی دوم.

استناد: امانی، میثم و سلیمانی دهکردی، کریم (۱۴۰۱) نقش مؤسسه انتشارات فرانکلین در تمرکزگرایی چاپ کتب درسی ابتدایی در ایران دوره پهلوی در خلال سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۶ ش، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، دوره ۱۶، شماره ۲ - شماره پیاپی ۳۱، ص ۲۶-۵۰.

DOI. 10.22111/JHR.2022.41054.3310

© نویسندگان: میثم امانی، و کریم سلیمانی دهکردی،



ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

مهمترین وظیفه دولت‌های مطلقه مدرن در جهان، ایجاد نظم‌ی سراسری و یکدست است. این قبیل دولت‌ها با اتخاذ سیاست یکسان‌سازی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دنبال ایجاد تمرکز حداکثری بر قلمرو تحت حکومت خود هستند. در ایران مدرن نیز، با زایش دولت مطلقه مدرن پهلوی این سیاست‌ها اعمال شد. یکی از مصادیق سیاست تمرکز و یکسان‌سازی، در حوزه آموزشی و با هدف تحت انقیاد درآوردن نظام آموزشی از سوی حکومت بود. در این راستا، نظم نوینی در نظام آموزشی برقرار شد. تولد مدارس جدید، دانشگاه، رشته‌های تخصصی، فرهنگستان، سازمان پرورش افکار و غیره از جمله اقدامات دولت برای ایجاد نظم در حوزه‌های آموزشی بود. با سقوط رضاشاه در شهریورماه ۱۳۲۰ و حضور متفقین، دوره‌ای از فضای باز سیاسی-اجتماعی آغاز شد که نظم رضاشاهی را کنار زد و دوره‌ای از آزادی را به همراه آورد که برخی آن را فضایی دموکراتیک و برخی دیگر وضعیت آنارشیک قلمداد می‌کردند. آنچه در حوزه آموزشی مشخص بود، پراکندگی در برخی شئون بود. از جمله در حوزه کتاب‌های درسی که موضوع مورد تأکید این مقاله است، وضعیتی متشتت به وجود آمد. با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بازگشت قدرت به دستان محمدرضاشاه پهلوی، برای وی فرصتی فراهم شد تا الگوی حکومت مطلقه مدرن را در ایران پیاده کند. اما پادشاه پهلوی از یک‌سو، با قرارگیری در یک نظم جهانی دو قطبی حاصل از جنگ سرد و از سوی دیگر، با نداشتن پایگاه قدرت چندان قوی، ناچار شد که با پیوستن به بلوک غرب و انتخاب ایالات متحده به‌عنوان رهبری جهانی، به دنبال ایجاد نظم نوین در کشور برآید. آنچه در این مقاله مورد تأکید قرار گرفته، ایجاد نظم جدید در حوزه آموزش در حکومت پهلوی دوم است که در قالب یکسان‌سازی کتاب‌های درسی به‌طور سراسری صورت گرفت. این سیاست با واگذاری چاپ کتاب‌های درسی ابتدایی از سال ۱۳۳۶ش. به مؤسسه انتشارات فرانکلین به‌عنوان یک شرکت آمریکایی آغاز شد و با تأسیس سازمان کتب درسی در سال ۱۳۴۲ش. به ظاهر تحت انقیاد دولت قرار گرفت؛ اما همچنان مؤسسه فرانکلین نقش برجسته آن را ایفا می‌کرد. ایالات متحده و مؤسسات متنوع آن، در برنامه‌های چاپ کتاب‌های درسی در کشورهای

دیگر نیز اقداماتی را انجام داده و از این طریق توانسته بود، حکومت‌های آنها را در رسیدن به نظم آموزشی یاری رساند.

این مقاله تأکید بر نقش مؤسسه فرانکلین در ایجاد نظم آموزشی در ایران در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۷ش. دارد که چگونگی آن را از خلال منابع و اسناد برجای مانده نشان خواهد داد. رویکرد نظری این مقاله را می‌توان مواجهه دو نگاه انتقادی و مدرنیستی دانست. در نگاه انتقادی که می‌توان آن را نزد فرانکفورتی‌ها و نظریه‌پردازان پست مدرن مشاهده کرد، بر هویت‌های بومی و تنوع فرهنگی توجه می‌شود و قرار گرفتن تحت یک سیاست گفتمان قدرت منسجم مورد انتقاد قرار می‌گیرد. حال در رویکردهای مدرنیستی که به طور مثال در طرفداران نظریات استبداد مطلقه و هواخواهان رویکردهای دولت-ملت‌سازی مشاهده می‌شود، دولت به‌عنوان یک نظم‌دهنده به وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ظاهر می‌شود و با قرارگرفتن در رأس جامعه، سیاست‌های یکسان‌سازی را پیش می‌برد. این مقاله ضمن توضیح دو رویکرد فوق در قالب روایت‌ها و تجربه‌های تاریخی در ایران معاصر، نتیجه می‌گیرد که نه سیاست تنوع و نه سیاست یکسان‌سازی از سوی جامعه و دولت ثمربخش نبوده و می‌بایست دولت به‌عنوان یک ناظر قوی - و نه کنترل‌گر - در عرصه اجتماعی و فرهنگی حاضر شود و مجالی برای فعالیت گروه‌های مختلف اجتماعی را فراهم سازد.

تاکنون تحقیق جامعی به صورت کتاب و مقاله در خصوص نقش مؤسسه انتشارات فرانکلین در حوزه چاپ کتاب‌های درسی در ایران انجام نشده است. تحقیقاتی که در قالب کتاب و مقاله در مورد این مؤسسه تألیف شده‌اند، ابعاد دیگری را مدنظر داشته‌اند که در برخی، اشارات گذرایی به جریان چاپ کتب درسی نیز شده است. در تألیفاتی که از سوی داتوس اسمیت همچون کتاب «راهنمای نشر کتاب» و مقاله «برنامه کتاب فرانکلین» منتشر شده، کارنامه این مؤسسه مدنظر بوده است و از آنجا که اسمیت، مدیرعامل این مؤسسه در نیویورک محسوب می‌شده، طبیعتاً نگاهی مثبت به دستاوردهای این مؤسسه در سراسر جهان داشته است. همایون صنعتی‌زاده نیز به‌عنوان مدیرعامل مؤسسه فرانکلین تهران در کتاب «از فرانکلین تا لاله‌زار» شرح خاطرات خود را ذکر کرده است که از یک سو با تجلیل از عملکرد این مؤسسه همراه است و از سوی دیگر فاقد اسناد و

مدارک تاریخی می‌باشد و بیشتر وجه شفاهی دارد. فیلستروپ در مقاله‌ای با عنوان «مؤسسه انتشارات فرانکلین تهران» نسبتاً با رویکرد استنادی‌تری بر این مؤسسه نظر داشته است؛ اما تحقیق وی از یک طرف موضوعات عام‌تری را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر فاقد چارچوب نظری خاصی است و بیشتر ذکر گزارشی از فعالیت این مؤسسه می‌باشد. اسماعیل حدادیان مقدم در مقاله «جنگ سرد فرهنگی؛ نقش مؤسسه فرانکلین در اشاعه ادبیات» اگرچه دارای یک رویکرد نظری منسجم است، اما به طور خاص فعالیت مؤسسه فرانکلین را در دوره جنگ سرد بررسی کرده است و به زمینه‌های تاریخی- اجتماعی ایران در دوران معاصر توجه نداشته است. مهدی یوسفی در مقاله‌ای با عنوان «تمایزیابی نهادهای ادبیات کودک در دهه ۱۳۴۰»، از منظری انتقادی به نقش دولت بر از بین بردن هویت‌های بومی در حوزه نشر با اتخاذ سیاست یکسان‌سازی چاپ کتب درسی توجه کرده است که البته به طور خاص، بر فعالیت‌های مؤسسه فرانکلین متمرکز نشده است. در مقالات دیگری که بیشتر با عنوان کلی «چاپ کتب درسی» در دوران پهلوی به نگارش درآمده‌اند. مثلاً مقالاتی که توسط محمدمامین ریاحی، پرویز ناتل خانلری فضل‌الله صفا به نگارش درآمده‌اند، با ذکر فضای هرج و مرج گونه چاپ کتاب‌های درسی تا پیش از دهه‌ی چهل شمسی، اقدام دولت در انحصاری کردن چاپ این کتب را مؤثر و در جهت نظم آموزشی دانسته‌اند. در آثار جلال آل احمد از جمله «بلبشوی کتاب‌های درسی» نیز رویکردی انتقادی به وزارت فرهنگ مطرح شده است که تمام امکانات فرهنگی و آموزشی کشور را به یک مؤسسه بیگانه واگذار کرده است.

این مقاله، با آگاهی از رویکردهای مختلف به انحصار چاپ کتب درسی در ایران عصر پهلوی، با روشی توصیفی- تحلیلی به دنبال بررسی تاریخی وضعیت چاپ کتب درسی در ایران معاصر است. در این راستا، الگوهای حاکم بر فضای آموزشی کشور متناسب با رویکردهای مختلف حاکمیت بررسی شده و با اتکا بر اسناد تاریخی و نگاهی بین‌المللی به تحولات جهان در فضای جنگ سرد، چگونگی انحصاری شدن چاپ کتب درسی به‌عنوان یکی از مظاهر نظام آموزشی در ایران عصر پهلوی دوم مورد بررسی قرار گرفته است. طبق یافته‌های این پژوهش، انحصار کتب درسی با قدم گذاشتن حکومت در راه تمامیت‌خواهی که زمینه‌های آن پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به وجود آمده بود، مقارن و مصادف گشت؛ اما از آنجا که حکومت فاقد زیرساخت‌های چاپ و نشر بود، به

یک مؤسسه آمریکایی به نام فرانکلین اجازه فعالیت در این حوزه را داد که این مسئله در الگوی کلان‌تر قرارگیری ایران در بلوک غرب قابل درک است.

تاریخچه چاپ کتاب‌های درسی در ایران دوره معاصر

تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ ش. را باید سنگ بنای نظام آموزشی جدید در ایران دانست. با آمدن معلمان اتریشی به این مدرسه، مطالبی به صورت عملی برای تدریس ارائه می‌شد که پس از مدتی، مترجمان با یادداشت‌برداری از آنها، نخستین کتاب‌های درسی را پدید آوردند. این کتاب‌ها در چاپخانه دارالفنون به صورت چاپ سنگی تهیه می‌شد و در دسترس دانشجویان قرار می‌گرفت (ذاکر شهرک، ۱۳۸۳: ۶۴). کتاب‌های درسی بعدی، توسط میرزا حسن رشیدیه تألیف شد و در دسترس دانش‌آموزان مدارس رشیدیه قرار گرفت. مدارس دیگری که پس از آن در تهران و شهرستان‌ها توسط افراد مختلف تأسیس شد، به تدریج کتب مخصوص خود را برای تعلیم به دانش‌آموزان تعیین می‌کردند. (معمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۸). افزایش مدرسه‌های جدید، لزوم توجه به مسئله کتاب‌های درسی را آشکار ساخت؛ بنابراین با تأسیس وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه در سال ۱۲۶۶ ش. دولت مسئولیت آموزش و پرورش را رسماً بر عهده گرفت و تهیه کتاب‌های درسی به یکی از وظایف آن تبدیل شد در این راستا، در سال ۱۲۷۶ ش. انجمن معارف تأسیس شد که یکی از نخستین برنامه‌های آن، آماده‌سازی و تهیه کتاب‌های درسی برای مدارس بود. انجمن یک دارالترجمه و «شرکت طبع کتب» راه‌اندازی کرد و میرزا محمدحسین خان فروغی ذکاءالملک را به‌عنوان ریاست آن برگزید. (صفت‌گل، ۱۳۷۸: ۱۶۱) در سال ۱۳۰۱ ش. از درون آشفتگی‌های انجمن معارف، شورای عالی معارف ایجاد شد که زمینه‌ی سامان دادن به آموزش و پرورش در کشور را فراهم کرد و از این زمان، به‌طور مرتب در برنامه‌های درسی تغییراتی صورت گرفت و در کتب درسی نیز تجدیدنظر شد (صفت‌گل، ۱۳۷۸: ۱۶۲).

تألیف کتاب‌های درسی در دوره رضاشاه، به شکل متمرکزتری انجام شد. در سال ۱۳۰۶ ش. وزارت معارف به منظور رفع مشکل تأمین کتب درسی، برنامه‌ای را تصویب کرد که براساس آن، کتاب‌های درسی با دقت بیشتری تألیف می‌شد و با کاغذ و چاپ مطلوب و تصاویر مناسب در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گرفت (معمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۹). در سال ۱۳۰۸ ش. به ابتکار یحیی قراگوزلو

(اعتمادالدوله) وزیر فرهنگ، نخستین کتاب‌های وزارتی انتشار یافت. این کتاب‌ها در مقایسه با کتاب‌هایی که در نقاط مختلف منتشر می‌شد، از حیث محتوای آموزشی و مرغوبی چاپ و ارزیابی قیمت مطلوب‌تر بود (ریاحی، ۱۳۴۲: ۴). در ۱۸ بهمن ۱۳۱۲ وزارت معارف نظامنامه اداره انطباعات را از تصویب شورای معارف گذراند و به کار تألیف کتب درسی نظمی نو داد (معمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۹). در راستای سیاست یکدست‌سازی کتب درسی، در سال ۱۳۱۴ ش. براساس بخشنامه‌ای به مدیران مدارس اخطار داده شد که برای چاپ هرگونه کتاب درسی باید از وزارت معارف مجوز اخذ کنند. در سال ۱۳۱۷ ش. اسماعیل مرآت، وزیر فرهنگ در اقدامی اساسی، در مدت ۳ سال ۸۰ جلد کتاب درسی را با سرمایه وزارت فرهنگ تهیه کرد. وی در گزارشی به نخست‌وزیر، تدوین یک دوره هفت جلدی از کتاب‌های سال اول دبیرستان را گزارش داد و تصریح کرد که تهیه این کتب، زیر نظر سازمان پرورش افکار صورت گرفته است (صادقی و عسکرانی، ۱۳۸۶: ۷۳).

با اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ به وسیله نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم، اگرچه دولت توانست تا سال ۱۳۲۴ ش، همچنان به چاپ کتب درسی مبادرت ورزد، اما به دلیل مشکلات عدیده مالی، وزارت فرهنگ ناچار شد تا چاپ کتب درسی را آزاد اعلام نماید (ریاحی، ۱۳۷۷: ۶۴). اندک‌اندک هر کتابفروشی، گروهی از مؤلفان تشکیل داد که در آن نام یکی دو استاد معروف و یک تن از مقامات وزارت فرهنگ و عده‌ای از دبیران دبیرستان‌های بزرگ تهران جای داشت. این کتاب‌ها با شتابزدگی و بی‌دقتی از کتاب‌های طرح مرآت و آثار مؤلفان پیش از آن اقتباس شده بود و بدون ویراستاری و با اغلاط فراوان و به صورت نامرغوب حروف چینی و چاپ می‌شد. هر آموزگاری می‌توانست شاگردان مدرسه خود را مجبور به استفاده از کتاب موردنظر خود کند که غالباً کتبی بودند که توسط خود آموزگاران تألیف می‌شدند (ریاحی، ۱۳۷۷: ۶۵). این وضعیت هرج‌ومرج گونه سبب شده بود که جلال آل‌احمد به نقد آن بپردازد: «برای شش کلاس دبیرستان چهارصد و بیست و هشت جلد کتاب داریم. ۴۲۸ جلد و نوع البته غیر از بوستان و گلستان و دستور میرزا عبدالعظیم خان و منتخبات فروزانفر و چهارده مقاله و کلیله و دمنه که دیگر عهد بوقی شده‌اند و کمتر خریدار دارند. این فقط صورت کتاب‌هایی است که نویسندگان میرز و علامه‌های دانشگاه دیده در همین سال‌های اخیر نوشته‌اند. فیزیک برای سال اول هفت نوع، تاریخ ادبیات برای ششم

شش نوع، عروض برای ۵ و ۶ چهار نوع و همین جور... و آنوقت تماشایی است تعداد هیئت‌های نویسنده. شانزده هیئت جغرافی نوشته‌اند، بیست و سه هیئت تاریخ، یازده دسته نویسنده زحمت نوشتن طبیعی و بهداشت را تقبل کرده‌اند و بیست و شش دسته نویسنده کتاب‌های ریاضی دبیرستان‌اند» (آل احمد، ۱۳۴۲: ۶۹)

با وجود اینکه ناشران بیشماری دست‌اندرکار تهیه کتاب‌های درسی بودند، ولی هیچ تحقیقی در مورد روش‌های آموزشی صورت نمی‌گرفت و میزان فایده و کارایی این تولیدات هرگز به محک آزمایش در نیامده بود. ادامه این رقابت آزاد به هرج و مرج منتهی شد و سازوکار بازار کتاب درسی را از نظر کمی و کیفی به ابتذال کشاند. در این وضعیت «به جای ایجاد همچشمی شرافتمند، رقابت تجارتي و سودجویی‌های نابه‌جا به کار افتاد و بازار آشفته‌ای ایجاد شد و سرنوشت کتاب و میلیون‌ها دانش‌آموز به دست ناشران منفعت‌پرست افتاد و کتاب درسی جنبه‌ی تربیتی خود را از دست داد و به صورت کالای تجارتي درآمد و قیمت کتاب بالا رفت به طوری که بهای ۱۳ جلد کتاب سال اول دبیرستان به ۴۰۰ ریال رسید» (صفا، ۱۳۴۵: ۱۵).

در دهه‌ی ۱۳۳۰ نشر کتب درسی به یکی از پرسودترین بخش‌های نشر در کشور تبدیل شده بود. پیشرفت و رونق صنعت نشر، در کنار رخدادهای سیاسی ایران که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایجاد شده بود، دولت را به سمت اقدامات فراگیر ملی در خصوص چاپ کتب درسی سوق داد و در نتیجه، دخالت در حوزه‌ی کتاب به مسئله جدی بدل شد (یوسفی، ۱۳۹۵: ۶۱). از آنجا که دستیابی به این برنامه به لحاظ زیرساختی با امکانات کشور همخوانی نداشت و از طرفی حکومت پهلوی در فضای جنگ سرد در جبهه‌ی بلوک غرب قرار گرفته و این وضعیت پس از کودتا نیز تشدید شده بود، بنابراین پای مؤسسه‌ای آمریکایی به نام فرانکلین که چندسالی در تهران تأسیس شده بود و اقدامات موفق‌تری را در حوزه چاپ و نشر آغاز کرده بود، به میان آمد.

توجه دولت آمریکا به مسئله کتب درسی پس از جنگ جهانی دوم

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، نظم بین‌المللی دو قطبی در جهان به وجود آمد که دو قدرت شکل‌دهنده آن، ایالات متحده آمریکا و شوروی بودند که نماینده ایدئولوژی‌های لیبرالیسم و سوسیالیسم تلقی می‌شدند. با آغاز دوران جنگ سرد، هر یک از طرفین به دنبال تغییر موازنه

جهانی به سود خود بودند، بنابراین مبارزه‌ای همه‌جانبه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی آغاز شد. آمریکا که به شدت از گسترش خطر سرخ در هراس بود، درصدد همراه کردن کشورهای در حال توسعه با سیاست‌های خود بود؛ بدین منظور تلاش‌هایی را در راستای توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی این کشورها انجام داد. یکی از این حوزه‌ها، توجه به مسئله سوادآموزی و چاپ منظم کتب درسی بود که راهکاری بنیادین برای جلوگیری از نفوذ اندیشه کمونیسم قلمداد می‌شد، به همین دلیل سازمان‌های دولتی و خصوصی آمریکایی درصدد بهبود وضعیت آموزشی کشورهای در حال توسعه برآمدند که چاپ کتب درسی یکی از این گونه تلاش‌ها بود.

در کتابچه‌ای که از جانب مؤسسه آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (AID)^۱ در خصوص چاپ کتاب در کشورهای در حال توسعه منتشر شد، یکی از وظایف دولت‌ها در این کشورها اولویت توسعه سیستم آموزشی بود که کتاب‌های درسی به‌عنوان ابزار اساسی آن قلمداد می‌شد (Books for developing countries 1969: 13). در این راستا، می‌بایست دولت و مؤسسات آمریکایی به دولت‌های این کشورها یاری رسانند و سفارتخانه‌های محلی آمریکا و دفاتر تجاری آمریکایی باید اطلاعات مفیدی در مورد صنایع چاپی و کاغذی محلی داشته باشند. آنها باید از الگوی سازمانی سیستم آموزشی، ثبت‌نام در مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، برنامه‌های درسی ارائه شده، استفاده از کتاب‌های درسی و تقاضای مؤثر و عرضه آنها در هر سطح، توانایی حرفه‌ای برای نوشتن و ترجمه کتاب درسی آگاهی داشته باشند (Books for developing countries, 1969: 40). طبق اطلاعات موجود، چندین مؤسسه دولتی و خصوصی آمریکایی به منظور توسعه نظام آموزشی کشورهای در حال توسعه فعالیت می‌کردند که برخی از آنها در حوزه چاپ و نشر کتاب در این کشورها نیز اقداماتی را انجام داده بودند. به طور مثال، آژانس اطلاعات ایالات متحده (USIA)^۲ یکی از مؤسسات دولتی آمریکایی بود که در حوزه دیپلماسی عمومی فعالیت می‌کرد و بخش از وظایف خود را به چاپ و نشر کتاب در کشورهای جهان سوم اختصاص داده بود. این مؤسسه در حوزه چاپ کتب درسی نیز اقداماتی را انجام داده بود. از جمله برنامه انتشار، توزیع و ترجمه کتاب‌های درسی آمریکایی با تغییراتی بومی برای برخی از کشورهای در حال توسعه بود. دو نمونه

از این برنامه در هند و پاکستان به انجام رسید (Books for developing countries, 1969: 28). مؤسسه USIA در آسیای شرقی نیز در چندین پروژه توسعه کتاب درسی کمک بزرگی کرد. از جمله در ویتنام، فیلیپین و لائوس اقداماتی در این جهت صورت گرفت (Books for developing countries, 1969: 30). بنیاد فورد^۳ و مؤسسه آسیا نیز برنامه‌هایی را در حوزه چاپ کتب درسی در کشورهای آفریقایی و آسیایی انجام داده بودند (Barnett and Piggford, 1969: 40). اما یکی از شناخته شده‌ترین این مؤسسات در این زمینه مؤسسه انتشارات فرانکلین نیویورک بود.

مؤسسه انتشارات فرانکلین

مؤسسه کتاب فرانکلین در سال ۱۹۵۲م. / ۱۳۳۱ش. توسط جمعی از ناشران، کتابداران و متخصصان حوزه چاپ و نشر در نیویورک در فضای جنگ سرد تأسیس شد که هدف آن اشاعه ادبیات آمریکایی از طریق ترجمه، چاپ و نشر کتاب در سراسر جهان، خصوصاً کشورهای درحال توسعه بود. این مؤسسه به زودی شعبه‌هایی را در نقاط مختلف جهان، همچون قاهره، بغداد، تهران و تبریز، لاهور، کابل، بیروت، داکا، جاکارتا، کوالالامپور، لاگوس، انگو و کادونا، بوینس آیرس، ریودوژانیرو و سائوپائولو تأسیس کرد و فعالیت‌های وسیع خود را آغاز نمود (Smith, 1989: 53). مؤسسه فرانکلین تهران نیز که در سال ۱۹۵۳م. / ۱۳۳۳ش. توسط همایون صنعتی‌زاده ایجاد شد، یکی از موفق‌ترین شعبه‌های مؤسسه نیویورک بود که صرفاً به ترجمه آثار آمریکایی بسنده نکرد و در حوزه‌های مختلف چاپ و نشر وارد شد و موجب پیشرفت‌هایی در این صنعت گردید. تأسیس شرکت چاپ افست، ایجاد کارخانه کاغذسازی پارس، تربیت نیروی متخصص در حوزه صنعت چاپ و نشر، ایجاد بخش‌های تخصصی در انتشاراتی‌ها همچون آلتیه گرافیکی، ویراستاری، ارتباط با نخبگان محلی و روشنفکران و تولید کتاب‌های متنوع و ارزان از جمله اقدامات شعبه تهران بود. به زودی این شعبه به یکی از موفق‌ترین و سودآورترین شعبات فرانکلین تبدیل شد، به طوری که به مؤسسه مادر در نیویورک نیز وام‌هایی را پرداخت می‌کرد (Hadadian Moghadam, 2016: 15).

یکی از زمینه‌های فعالیت مؤسسه انتشارات فرانکلین در سطح جهان، ورود به حوزه ادبیات کودک و نوجوان بود. شعبات این مؤسسه در کشورهای آمریکایی، آفریقایی و آسیایی، طرح‌های مختلفی را متناسب با رده سنی کودکان و نوجوانان به انجام رساندند که بحث در مورد آنها در حوصله این مقاله نیست. اما آنچه از برنامه‌های مؤسسه فرانکلین در حوزه کودک و نوجوان قابل اشاره است، اقدامات این مؤسسه در عرصه چاپ و نشر کتاب‌های درسی است که در سطح جهان و ایران قابل بررسی می‌باشد. به طور مثال این مؤسسه، طی یک برنامه‌ی چهار ساله در نیجریه با پشتیبانی آژانس توسعه بین‌الملل ایالات متحده (شعبه نیجریه) و بنگاه فورد اقداماتی در راستای ارتقای صنعت چاپ و نشر این کشور انجام داد که یکی از آنها تدارک کارگاه‌هایی برای نویسندگان کتاب درسی بود (Books for developing countries 1969: 38).

اقدام دیگر فرانکلین که با عنوان «عملیات افغانستان» از آن نام برده می‌شود، چاپ کتب درسی افغانستان بود که به دستور داتوس اسمیت^۴ مدیر عامل انتشارات فرانکلین نیویورک و توسط همایون صنعتی‌زاده، مدیر انتشارات فرانکلین تهران انجام شد (Smith, 2012: 6). صنعتی‌زاده برای پیشبرد این برنامه به کابل سفر کرد و پس از دیدارهایی با برخی از رؤسای وزارت فرهنگ افغانستان، سرانجام با گذشت یک سال و نیم از ارائه طرح، قراردادی را در سال ۱۳۳۶ ش. منعقد نمود و نزدیک به ده سال چاپ کتب درسی این کشور را برعهده گرفت (بیات، ۱۳۷۴: ۵۸). طبق توافقنامه‌ای که میان مؤسسه فرانکلین تهران و وزارت معارف افغانستان منعقد شد، یک نماینده از طرف آموزش و پرورش افغانستان به مدت یک سال در تهران اقامت کرد و مشغول به ویرایش و اصلاح کتاب‌های درسی افغانستان شد که در ایران منتشر شده بودند. فرانکلین تهران اداره چاپخانه‌های آموزش و پرورش در کابل، مرمت و بازسازی آن و آموزش نیروی کار افغان را برعهده گرفت. بیست و پنج افغانی به مدت یک سال در تهران زندگی کردند و آموزش‌های پایه‌ای را در زمینه چاپ در چاپخانه افسر فرا گرفتند. بیست و پنج نفر از ایرانیان نیز به کابل رفتند و یک اقامتگاه برای آنها ایجاد شد. آن‌ها اقدام به مدرن‌سازی ماشین‌آلات افغانستان و آموزش به نیروهای افغانی کردند (Smith, 2012: 6). در مجموع، عواید فرانکلین تهران از چاپ کتاب‌های درسی افغانستان سالانه حدود یک میلیون دلار سود بود (علی‌نژاد ۱۳۹۵: ۱۲۲).

مؤسسه فرانکلین تهران همچنین در زمینه‌های آموزش برای کودکان و نوجوانان فعالیت‌هایی داشت. این مؤسسه علاوه بر تألیف و ترجمه آثاری برای این رده سنی، نقش مهمی در تأسیس شورای کتاب کودک در سال ۱۳۴۱ ش. داشت؛ از سال ۱۳۴۲، مجلات آموزشی پیک را منتشر نمود که تا سال ۱۳۵۶ تعداد آنها با ۶ مجله و تیراژ ۴ میلیون نسخه در ماه می‌رسید (یادگار، ۱۳۵۸: ۷۰)؛ در تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۴۴ ش. دخیل بود (فیلستروپ، ۱۳۵۷: ۳۳)؛ نخستین دایره‌المعارف هجده جلدی برای کودکان و نوجوانان را منتشر نمود (آذرنگ، ۱۳۹۶: ۷۴۲)؛ پانصد کتابخانه مدارس دولتی را با مشارکت وزارت آموزش و پرورش تجهیز کرد و حدود هشتاد عنوان کتاب درسی برای دانشسراهای مقدماتی و مؤسسات تربیت معلم منتشر کرد (آذرنگ، ۱۳۹۶: ۶۲۳-۶۲۵). بنا بر آمار داتوس اسمیت، ۱۸ درصد از آثار انتشار یافته فرانکلین تهران آثار مربوط به کودکان بوده است. با این حال و فقط برپایه همین ارقام، فرانکلین شاخه تهران حدود ۲۵ سال فعالیتش حدود ۱۴۴ عنوان کتاب برای کودکان نوجوانان ترجمه و منتشر کرده است که آثاری در زمینه‌های علمی، دانستنی‌ها، سرگرمی‌ها و داستان‌های پرماجرا برای کودکان و نوجوانان بود (۲، Datus C. Smith, Jr. Franklin Book Program). یکی از مهمترین اقدامات این مؤسسه در این زمینه، چاپ کتاب‌های درسی بود که می‌توان آن را اقدامی در جهت یک‌دست‌سازی و استاندارد شدن برنامه‌های آموزشی مدارس ایران دانست.

چاپ کتاب‌های درسی ایران

با احیای سلطنت محمدرضا شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شاه که درصدد تسلط بر فضای سیاسی- اجتماعی کشور بود، برای جلوگیری از خطر گسترش آزادی و دموکراسی که به شدت از آن رویگردان بود، از هرگونه ایده تمرکزگرایی حمایت می‌کرد. صنعتی‌زاده با درک این فضا و همچنین وضعیت آشفته‌ی کتب درسی در ایران و بهره‌گیری از تجربه‌ی چاپ کتاب‌های درسی افغانستان، تصمیم به چاپ کتاب‌های مدارس دبستان ایران گرفت. وی پس از ملاقاتی با شاه، مشکلات موجود در کتاب‌های درسی ایران را بیان نمود و از اشتباهات رایج در این کتاب‌ها و چاپ و صحافی آن گلایه کرد. ضمن اینکه در این ملاقات چند کتاب ابتدایی چاپ آمریکا را نیز نشان

داد و به شاه پیشنهاد حمایت از طرح وی مبنی بر چاپ کتاب‌های درسی مدارس ابتدایی ایران را داد (جعفری، ۱۳۸۸: ۴۵۶). با اعلام نظر مثبت شاه، طبق توافقی، وزارت فرهنگ مسئولیت چاپ کتاب‌های دبستان را به سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی سپرد و این سازمان نیز طبق معاهده‌ای، مؤسسه فرانکلین را به‌عنوان مباشر چاپ برای خود انتخاب کرد (ساکما، ۰۹۴۶۱۱-۲۹۸، شماره سند ۰۰۲۰).

در سال ۱۳۳۶ ش. ۱۹۵۷ م. فرانکلین با همکاری وزارت فرهنگ و با کمک مالی سازمان خدمات شاهنشاهی اقدام به تولید کتاب‌های درسی سال‌های اول دبستان کرد که به طور رایگان در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. در سال اول ۳۳,۰۰۰ کتاب درسی برای چاپ سفارش داده شد. بدین منظور فرانکلین باید از تمام کارخانه‌ها و ماشین‌های چاپ سراسر کشور استفاده می‌کرد. بعضی از کتاب‌های درسی نیز در چاپخانه‌های روزنامه‌ها چاپ می‌شد و به علت نبودن ماشین صحافی تمام کتاب‌ها با دست صحافی می‌شدند (فیلستروپ، ۱۳۵۷: ۲۰). با تأسیس شرکت سهامی افست در سال ۱۳۳۶ ش، کار چاپ کتب درسی به این شرکت واگذار شد. در سال ۱۳۳۷ ش. مؤسسه انتشارات فرانکلین تهران جمعاً تعداد یک‌ونیم میلیون نسخه کتاب درسی را در هشت موضوع طراحی، تولید و چاپ کرد و به وزارت فرهنگ تحویل داد، بنابراین بودجه، این برنامه از اعتباری برابر ۲۷۰,۰۰۰ دلار به هشت میلیون دلار رسید (یادگار، ۱۳۵۸: ۵۱).

در سال ۱۳۳۸ ش. یک گروه شانزده نفری نویسندگان کتاب‌های درسی برای یک دوره کارآموزی هشت ماهه به دانشگاه کلمبیا آمریکا و کشورهای انگلیس و فرانسه اعزام شدند. برای امور مربوط به تألیف و ویرایش، دکتر محمود صناعتی، احمد آرام، دکتر محمود بهزاد، رضا اقصی، دکتر مصطفی مقربی، ابوالقاسم قربانی، دکتر حافظ فرمانفرمایان، هوشنگ پیرنظر، دکتر فتح‌الله مجتبیایی، داریوش همایون و به منظور فراگیری نقاشی و امور هنری و صفحه‌آرایی و آماده‌سازی، محمد زمان زمانی، پرویز کلانتری، هرمز وحید، لیلی ایمن، ثمینه باغچه‌بان، شهناز سرلتنی به این دوره‌ها فرستاده شدند. جدا از این گروه، نجف دریابندری، امیر صمیمی، علی اصغر مهاجر و خود همایون صنعتی‌زاده هم برای امور اداری و مدیریت به شعبه هاروارد در ژنو سفر کردند (جعفری، ۱۳۸۸: ۴۵۶). هزینه مالی این سفر توسط بنیاد فورده^۵ پرداخت شد و اتحادیه بازرگانی فرانسوی

کتاب^۶ و انجمن انگلیس^۷ کمک‌های اضافی برای آن را تقبل کردند (یادگار، ۱۳۵۸: ۵۲). این گروه پس از بازگشت به ایران، هسته اولیه «سازمان تهیه و تألیف کتاب‌های درسی» را تشکیل دادند که هدف اصلی آن نگارش و تجدیدنظر در کتب درسی دبستان بود. نخستین مجموعه از این کتب در سال ۱۳۴۰ ش. در دسترس دانش‌آموزان قرار گرفت (بیات، ۱۳۷۴: ۵۸). کمی بعد فرانکلین چاپ کتاب‌های درسی سال‌های پنجم و ششم ابتدایی را نیز برعهده گرفت و سازمانی به نام «پخش و کتاب» به همین منظور تأسیس شد (فیلستروپ، ۱۳۵۷: ۲۰).

مخالفت ناشران با چاپ کتب درسی توسط انتشارات فرانکلین

چاپ کتاب‌های درسی توسط مؤسسه فرانکلین طبیعتاً از ابتدا مخالفت‌هایی را به همراه داشت. برخی از مخالفان ناشرانی بودند که از افزایش فعالیت‌های مؤسسه فرانکلین متضرر شده بودند؛ بخشی دیگر مؤلفان کتاب‌های درسی بودند که از کار خود بیکار شده بودند و دسته‌ای نیز منتقد وضعیت فرهنگی کشور و وزارت فرهنگ بودند و اعتقاد داشتند که این اقدام بازگذاشتن دست یک مؤسسه بیگانه در اوضاع فرهنگی کشور است. نخستین اعتراض به چاپ کتاب درسی توسط مؤسسه فرانکلین در سال ۱۳۳۶ ش توسط حاج محمد رضانی (مدیر انتشارات کلاله خاور) که از پیشکسوتان چاپ و نشر کتاب در ایران محسوب می‌شد، مطرح گردید. اعتراض وی به دلیل خلع ید ناشران قدیمی از چاپ کتب درسی و واگذاری آن به یک مؤسسه جدیدالتأسیس و آمریکایی بود (آل احمد، ۱۳۴۲: ۷۹). جلال آل احمد نیز به‌عنوان منتقد وضعیت فرهنگی کشور، از این مؤسسه با عنوان "بنگاه بیگانه" و "مباشر آمریکایی" یاد می‌کند و اقدام وزارت فرهنگ در واگذاری چاپ کتب درسی به فرانکلین را "کنسرسیوم بازی" می‌داند (ر.ک آل احمد، ۱۳۴۲: ۸۰ و ۸۱).

در سال ۱۳۴۰ ش. برخی از ناشران همچون رضانی و احمد علمی (مدیر انتشارات ایران) شکایت‌هایی از مؤسسه فرانکلین در خصوص فروش کاغذهای وارداتی بدون پرداخت حق گمرک در بازار را مطرح کردند و همچنین اعتراض‌هایی در خصوص واگذاری امتیاز چاپ کتب درسی به مؤسسه فرانکلین به گوش رسید که موجب برانگیختن حساسیت‌هایی شد. سازمان بازرسی کل کشور در گزارشی طولانی برای دکتر علی امینی، نخست‌وزیر وقت، اذعان کرد؛ وزارت فرهنگ در این قرارداد، دست یک مؤسسه اجنبی آمریکایی را باز گذاشته و هیچ وثیقه‌ای را از مؤسسه مزبور

دریافت نکرده و برای تأخیر در اجرای تعهدات نیز برای مؤسسه فرانکلین جریمه دیرکردی در نظر نگرفته است. وزارتخانه امکانات زیادی را در اختیار این مؤسسه قرار داده که این خود بازی با آبروی یک ملت و کشور است (ساکما، ۰۹۲۵۹۹-۲۹۸، شماره سند، ۰۰۲۱). در نهایت در این گزارش ذکر شده است که قرارداد منعقدشده، کاملاً به نفع مؤسسه فرانکلین بوده و در آن تخلفات و دستبردهایی صورت گرفته، بنابراین غیرقانونی بوده است. طبق این گزارش، متهمین اصلی این پرونده، دکتر محمود مهران، وزیر اسبق فرهنگ، دکتر ابوتراب رازانی، مدیرکل اسبق نگارش و همایون صنعتی‌زاده، مدیر شعبه ایران مؤسسه فرانکلین معرفی شده بودند که دست به تباخی با مؤسسه فرانکلین زده بودند (ساکما، ۰۹۲۵۹۹-۲۹۸، سند شماره‌های ۰۰۳۴ تا ۰۰۲۱ و همچنین ساکما، ۰۹۴۶۱۱-۲۹۸، اسناد شماره ۰۰۱۰).

صنعتی‌زاده به منظور رفع اتهام از خود، در نامه‌ای به نخست‌وزیر ضمن توضیح خدمات متعدد مؤسسه فرانکلین در حوزه فرهنگ کشور، بیان می‌کند: «چون طبع کتب افسست با منافع عده‌ای مغایرت داشته، دست به تحریکاتی زده‌اند و اخیراً از طریق وزارت دادگستری موضوع شکایت سابق کتابفروشی‌ها پیش کشیده شده و قصد بازرسی دفاتر مؤسسه مذکور را دارند که ممکن است این عمل در هیئت مدیره مؤسسه که تصمیماتی در خصوص کمک‌های بیشتر به ایران از جمله تأسیس کارخانه کاغذسازی دارند، مورد تجدید نظر قرار گرفته و به این ترتیب ضررهای جبران ناپذیری متوجه کشور گردد.» (مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازبایی ۸۲۹۱۵۱، شماره سند ۸) وی در این نامه متذکر می‌شود از آنجا که مؤسسه فرانکلین شرکتی آمریکایی است و در ایران، تنها وکیلی به‌عنوان نماینده دارد، لذا اقدام به شکایت و بازرسی از این مؤسسه، منوط به اطلاع و مجوز هیئت مدیره در نیویورک است. حال آنکه مؤسساتی این‌چنین درصدد سرمایه‌گذاری در ایران هستند و این عمل می‌تواند در سیاست‌های آنان تغییراتی را ایجاد کند که به ضرر کشور است. صنعتی‌زاده وارد شدن این اتهامات را از جانب دو نفر از کتابفروشان رقیب خود (رمضانی و علمی) می‌داند، که بی‌اساس است (مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازبایی ۸۲۹۱۵۱، شماره سند ۱۰-۸).

نخست‌وزیر، به منظور استفسار، از احسان یارشاطر، مدیر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، نظرخواهی می‌کند. یارشاطر در نامه‌ای به دکتر امینی اعلام می‌کند، مؤسسه فرانکلین خدمات فرهنگی جدید

و مهمی را در کشور در طول سال‌های فعالیت خود ارائه داده است و رقیبی هم‌تراز خود ندارد، بنابراین حتی لازم است که وزارت فرهنگ با تخصیص بودجه سالیانه به این مؤسسه کمک نماید (مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی، ۸۲۹۱۵۱). هر چند که به دستور نخست‌وزیر، مؤسسه فرانکلین در این مقطع از ادامه روند قضایی مصون ماند، اما این اتهامات به صورت مکرر نسبت به فعالیت این مؤسسه طرح می‌شد.

انحصار کتب درسی با تأسیس سازمان کتاب‌های درسی

افزایش مخالفت‌ها نسبت به واگذاری چاپ کتب درسی به فرانکلین از یک‌سو و تمایل وزارت فرهنگ به افزایش نقش خود به‌عنوان بزرگترین مرجع فرهنگی کشور - که در طرحی کلان‌تر یعنی حرکت حکومت به سمت تمرکزگرایی و ایجاد نظمی سراسری و یک‌دست به شمار می‌رفت - این وزارتخانه را به سمت انحصار چاپ کتب درسی سوق داد. اما از آنجا که دولت توانایی لازم برای انجام این کار را نداشت و به لحاظ زیرساخت‌ها با مشکلاتی روبرو بود، به مقاطعه کاری روی آورد. در تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۱۸ نخستین تصویب‌نامه مربوط به کتاب‌های درسی به پیشنهاد وزارت فرهنگ به تصویب هیئت‌وزیران رسید. در این تصویب‌نامه تألیف و چاپ کتاب‌ها به وزارت فرهنگ واگذار شده بود؛ اما این نکته نیز ذکر شده بود که تا زمانی که وزارت فرهنگ امکانات لازم را در اختیار ندارد، می‌تواند چاپ کتاب‌ها را طبق قراردادی برعهده شرکتی از ناشران بگذارد و نماینده‌ای از این وزارتخانه به‌عنوان ناظر در این شرکت تعیین شود (راهی که بازگشت ندارد، ۱۳۴۲: ۱۲).

در سال ۱۳۴۲ش، در زمان وزارت دکتر پرویز ناتل خانلری در وزارت فرهنگ، قانون انحصاری بودن تألیف کتاب‌های درسی تصویب و به موجب این قانون، سازمان کتاب‌های درسی مستقلاً در وزارت فرهنگ تأسیس شد و تألیف کتاب‌های درسی را به عهده گرفت. به موجب همین قانون چاپ کتاب‌های درسی به شرکتی به نام «شرکت سهامی پخش کتاب» مرکب از ناشران، کتابفروشان و چاپخانه‌داران محول شد (ناتل خانلری، ۱۳۴۲: ۲). در این شرکت جدید، ناشران به‌عنوان سهامداران ظاهر شدند که سهام آنها به این صورت بود: «شرکت افسست (یعنی بنگاه فرانکلین) ۵۴۰ سهم؛ شرکت‌های اقبال، ابن‌سینا، امیرکبیر، احمد علمی، علی اکبر علمی هر کدام ۵۰ سهم؛ دانش، زوار، معرفت، نیل، طهوری و محمدحسن علمی هر کدام ۳۰ سهم؛ ناصر، منصور

و مشفق هر کدام ۱۵ سهم» (آل احمد، ۱۳۴۲: ۷۹). بدین ترتیب اگرچه ظاهراً مؤسسه کتاب فرانکلین از این برنامه کنار گذاشته شد، ولی نقش مؤسسه در مقام یک سهام‌دار اصلی و واسطه سه‌جانبه میان سازمان کتاب‌های درسی، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و شرکت چاپ افسست، از نقطه نظر نظارت بر اموری چون تأمین کاغذ مورد نیاز، چاپ و تحویل به آموزش و پرورش تا مراحل پایانی کار ادامه یافت (بیات، ۱۳۷۴: ۵۹).

مخالفت با طرح انحصار چاپ کتب درسی

با انحصار چاپ کتب درسی، بار دیگر اعتراضات مخالفان شدت گرفت. آل احمد با ذکر این مطلب که با وجود تأسیس سازمان کتاب‌های درسی، باز هم کارفرمای اصلی و سهام‌دار اکثریت‌دار همان شرکت افسست که زیر نظر فرانکلین است، این طرح را زیرسؤال برد و دیگر ناشران را به گرفتن حق السکوتی به‌عنوان سهم ملامت کرد (آل احمد، ۱۳۴۲: ۷۹). وی در مطلب کوتاهی نوشت: انحصار طلبی اگر در حوزه‌ی قلم اثر کند، حاصلش دیکتاتوری است. از نظر آل احمد، انحصار‌گرایی ابزاری برای دیکتاتوری بود یا انحصار‌گرایی جدیدی در حال شکل‌گیری بود که اقتدار نوینی را به وجود می‌آورد. اقتداری برای نظم بخشیدن سراسری به دانش‌آموزان. این نظم منجر به یکدست‌سازی کتاب آموزشی شد که نحوه‌ی جدیدی از آرایش نظم آموزشی بود و به پیدایش وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۳ ش. انجامید (یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

در سال ۱۳۴۲ ش. جمعی از مؤلفان سابق کتاب‌های درسی در پی انتشار دو نامه مابین وزارت فرهنگ و مؤسسه فرانکلین، نسبت به سیاست‌های آنان در قبال کتب درسی و مؤلفان آنها معترض شدند. این بیانیه اعتراضی خطاب به وزیر وقت فرهنگ، دکتر خانلری بود که برای مؤسسه فرانکلین تقاضای دریافت کمک‌های مالی کرده بود. در این بیانیه، وزیر فرهنگ و همسرش متهم به اختلاس و تبانی با مؤسسه فرانکلین شده و این همکاری «نقشه پلید دوجانبه» ذکر شده بود (مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازبایی، ۶۴۸۰۷). ناشران بزرگ، در مطبوعات کثیرالانتشار و مراکز قضایی، وزارت فرهنگ را به انحصارطلبی و تضییع حقوق ناشران و بنگاه‌های اقتصادی خصوصی متهم کردند. حاج محمد رضانی با انتشار جزوه‌ای از تصمیمات وزارت فرهنگ برای پایان دادن به بی‌نظمی محتوایی و صوری کتاب‌ها دفاع کرد و به ناشران بزرگی که سهام‌دار شرکت سهامی

پخش بودند، تاخت. (یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). علی اکبر علمی نیز که به اتهام فساد و اخلال‌گری از شرکت برکنار شده بود، تلاش می‌کرد تا انحصار چاپ کتاب‌های درسی رفع شود. از نظر او و بسیاری از ناشران بزرگ دیگر، این انحصار نقض آزادی ناشران به دست وزارت فرهنگ و «سازمان انتشار کتاب‌های درسی» بود (یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۴).

عملکرد مؤسسه فرانکلین در چاپ کتب درسی ابتدایی

طرح کتاب‌های درسی عملاً شریان حیاتی فرانکلین بود. اگرچه کتاب‌ها با پول سازمان برنامه و به اسم سازمان خدمات اجتماعی شاهنشاهی چاپ می‌شد، اما سرپرستی چاپ کتب به فرانکلین واگذار شده بود. فرانکلین بابت انجام این خدمات چند درصد از هزینه چاپ کتاب‌ها را به خود اختصاص می‌داد و بر امر چاپ و تنقیح کتاب‌ها نظارت می‌کرد. این چند درصد با توجه به حجم هزینه‌ها در سال به ده‌ها میلیون تومان می‌رسید (یادگار، ۱۳۵۸: ۶۲).^۸ مؤسسه فرانکلین در سال‌های نخست کتاب‌ها را رایگان چاپ می‌کرد، اما در اواخر سال‌های دهه چهل این مؤسسه پیشنهاد داد تا کتاب‌ها در مدارس به دانش‌آموزان فروخته شود و وجوه آن در اختیار سازمان شاهنشاهی قرار گیرد. (یادگار، ۱۳۵۸: ۶۲).

برنامه متمرکز کردن تهیه و چاپ کتاب‌های درسی ابتدایی بر دبستان‌های ایران تأثیرات مثبتی داشت. آمار انتشار کتاب‌های درسی در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ ش، افزایش تعداد تیراژ این کتاب‌ها را نشان می‌دهد. طی این سال‌ها، تعداد کتب درسی منتشر شده برای دوره ابتدایی از حدود ۱۰ میلیون نسخه به ۲۱ میلیون نسخه رسید (یادگار، ۱۳۵۸: ۵۸). علی اصغر مهاجر -مدیر مؤسسه فرانکلین تهران که از سال ۱۳۴۷ ش. جای همایون صنعتی‌زاده را گرفته بود- در کنفرانس توکیو که در سال ۱۳۵۱ ش. برگزار شد، اظهار کرد: «در زمینه انتشار کتاب‌های درسی ابتدایی حقیقتاً پیشرفت ایران قابل ملاحظه است. اکنون کتاب‌های درسی ایران در دوره ابتدایی هم طراز بهترین کتاب‌های درسی در کشورهای توسعه یافته است که از نظر طرح کلی، تصاویر و هماهنگی تصاویر و متن در مقام بالایی است» (ساکما، شماره بازیابی ۱۹۸۹۱۲، شماره سند ۵).

در کنار کتاب‌های ابتدایی، فرانکلین به دنبال به دست گرفتن برنامه متمرکز چاپ کتاب‌های دبیرستان نیز بود و بدین منظور گروهی از ناشران تهران و شهرستان‌ها به وجود آمدند و فرانکلین

ترتیبی داد که به این تشکیلات که "شرکت سهامی مطبوعات" نام داشت، وامی برابر با ۱۵۰,۰۰۰ دلار از طریق طرح «PL ۴۸۰»^۹ برای خرید وسایل چاپ ایتالیایی داده شود (فیلستروپ، ۱۳۵۷: ۲۲). این گروه برنامه‌ی تجدیدنظر بر کتاب‌های دوره دبیرستان را در نظر داشتند، همان کاری که شرکت سهامی افست روی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی انجام می‌داد، اما این برنامه مخالفین زیادی داشت. خصوصاً ناشرانی که معتقد بودند، اگر کتاب‌های دبیرستانی در اختیار مدرسه جدید قرار گیرد، فرانکلین انحصار چاپ و انتشار تمام کتاب‌های مدارس ایران را به دست خواهد گرفت.

با وجود افزایش آمار کمی در چاپ کتب درسی، اتهامات به قرارداد کتب درسی میان وزرات فرهنگ و وزارت جدیدالتأسیس آموزش و پرورش با مؤسسه فرانکلین که تا پایان مدت این همکاری به طرق مختلف وارد می‌شد، گرچه در افکار عمومی تأثیرگذار بود، اما موجب محکوم شدن هیچ یک از طرفین در دادگاهی نشد. این مسئله به دلیل حمایت‌های پیدا و پنهان از مؤسسه فرانکلین در درون حاکمیت بوده است. با این حال، اختلافات مالی میان وزارت آموزش و پرورش و مؤسسه فرانکلین موجب کاهش تعهدات این مؤسسه در امر چاپ کتب درسی شد. به دنبال افت شدیدی که در سال ۱۳۵۴ ش. در چاپ کتاب‌های درسی اتفاق افتاد، کمیود شدید کتاب درسی در اقصی نقاط کشور به وجود آمد و نارضایتی دانش‌آموزان و اولیاء را موجب گردید. بنابراین وزارت آموزش و پرورش ناچار به لغو قرارداد چاپ کتب درسی با سازمان چاپ کتاب‌های درسی شد (یادگار، ۱۳۵۸: ۵۹). در این وضعیت، وزارت آموزش و پرورش در ۱۲ تیر ۱۳۵۵ قانون تشکیل «سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی» را به تصویب مجلس رساند که وظیفه تألیف، تدوین و آماده‌سازی کتب درسی را به آن محول کرد. این سازمان با تحت پوشش قرار دادن «سازمان کتاب‌های درسی ایران»، مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی» و «مرکز انتشارات آموزشی» تا آغاز انقلاب اسلامی به کار خود ادامه داد (مجیدی، ۱۳۶۴: ۸۶).

نتایج پژوهش

وضعیت چاپ کتب درسی در تاریخ ایران معاصر به تبع اوضاع سیاسی-اجتماعی در برهه‌های مختلف، میان دو وضعیت تمرکز و عدم تمرکز در رفت و آمد بود. حکومت‌هایی که به

دنبال کنترل حداکثری بر جامعه بودند، سعی بر در اختیار گرفتن نهادهای آموزشی تحت نظارت خود داشتند. حال این اقدام، ممکن بود که با آزادی‌های افراد و بخش‌های غیردولتی در تضاد باشد. با اشغال ایران توسط نیروهای متفقین در طول جنگ جهانی دوم و سقوط رضاشاه و کنار رفتن حاکمی مستبد، جامعه در وضعیت "بی‌دولتی" قرار گرفت. در این شرایط، نهادهای آموزشی به صورت آزاد به فعالیت پرداختند و در موجی از آزادی‌های ایجاد شده، تنوع آموزشی بسیاری را ایجاد کردند که در قالب کتاب‌های متنوع درسی نمایان شد. این پراکندگی اگرچه در نظر برخی مثبت قلمداد می‌شد، اما از منظری دیگر، وضعیتی آناشیک را رقم زده بود که به سودجویی و اختلاف نظر منجر شده بود. بدیل این وضعیت، ایجاد تمرکز توسط قدرتی مرکزی بود که به اوضاع آشفته سامان دهد و نهاد آموزشی را یکدست نماید. با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بازگشت مجدد قدرت به محمدرضاشاه، مجالی برای این اقدام فراهم شد، اما از آنجا که قدرت مرکزی فاقد زیرساخت‌های لازم برای اعمال نظارت بر نهاد آموزشی بود، بنابراین به سراغ اهرمی رفت که از طریق آن بتواند ضعف خود را جبران سازد. این نهاد واسطه، مؤسسه‌ای آمریکایی به نام فرانکلین بود که خود در فضای جنگ سرد تشکیل شده بود و توانسته بود در ایران به فعالیت‌های متعددی بپردازد. بنابراین، حاکمیت با استفاده از پتانسیل‌های این مؤسسه، علاوه بر پیشبرد اهداف تمرکزگرایانه خود، در راستای برنامه‌های بلوک غرب نیز حرکت کرد. اتخاذ این تصمیم با مخالفت‌هایی روبرو شد و اعتراضاتی از جانب افراد و ناشرانی که سال‌ها در این عرصه فعالیت می‌کردند، مطرح گردید که موجب کشمکش‌های فراوانی میان آنها و مؤسسه فرانکلین و وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش و پرورش شد که تا آستانه انقلاب اسلامی لاینحل ماند. به نظر می‌رسد، راه برون رفت از وضعیت پراکندگی و تمرکز، ایجاد نهاد متمرکزی بود که با بهره‌گیری از پتانسیل‌های افراد و گروه‌های آزاد، از حالت تک صدایی خارج شده و به جای کنترل‌گری به نظرات روی می‌آورد. اگرچه در زمینه کتب درسی که مورد تأکید این مقاله بود، ظاهراً تأسیس سازمان کتاب‌های درسی امری در این راستا بود، اما با واگذاری بخش عمده‌ای از اختیارات این سازمان به مؤسسه فرانکلین، عملاً پیشرفتی در حوزه نظارت بر چاپ کتب درسی توسط ناشران صورت نگرفت و به گونه‌ای وضعیت تمرکزگرایی با وجه کنترل‌گری تداوم یافت.

پی‌نوشت

۱. AGENCY FOR INTERNATIONAL DEVELOPMENT
۲. UNITED STATES INFORMATION AGENCY
۳. Ford Foundation
۴. Datus Smith
۵. Ford Foundatin
۶. French Book Trade Association
۷. British Council

^۸. در خصوص وضع درآمدی شرکت افست از چاپ کتب درسی ر.ک (آل احمد، ۱۳۴۲: ۷۴-۷۸).

^۹. قانون توسعه و کمک تجارت کشاورزی یا حقوق عمومی ۴۸۰ که در ۱۰ جولای ۱۹۵۴ توسط آیزنهاور رئیس‌جمهور وقت آمریکا به منظور ایجاد دفتر غذا برای صلح ایجاد شد. این قانون به رئیس‌جمهور اجازه می‌داد تا محموله‌های مازاد غذایی و کشاورزی را به کشورهای "دوست" اعطا کند.

منابع و مطالعات

- آذرنگ، عبدالحسین، (۱۳۹۶)، تاریخ و تحول نشر. تهران: خانه کتاب.
- آل احمد، جلال، (۱۳۴۲)، «بلیشوی کتاب‌های درسی». سه مقاله دیگر، بی‌جا: بی‌نا.
- بیات، کاوه، (۱۳۷۴)، «تجربه فرانکلین». مجله گفتگو، ش ۷، صص ۶۳-۵۷.
- جعفری، عبدالرحیم، (۱۳۸۸)، در رثای همان صنعتی‌زاده. مجله بخارا، ش ۷۲ و ۷۳.
- «راهی که بازگشت ندارد». نشریه آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، دوره ۳۳، ش ۹، صص ۲۵-۱۱.
- ریاحی، محمدامین، ماجرای کتاب‌های درسی (ورقی از تاریخ فرهنگ ایران)، بخارا، ۱۳۷۷، شماره ۲، صص ۸۰-۶۰.
- ریاحی، محمدامین؛ داستانی به نام کتاب درسی، نشریه آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، دوره سی و سوم، خرداد ۱۳۴۲، شماره ۴، صص ۲۴-۱.
- صادقی، مقصودعلی و محمدرضا عسکرانی؛ درآمدی تاریخی بر روند تدوین و چاپ نخستین کتاب‌های درسی، مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره پنجاهم، پاییز ۱۳۸۶، صص ۸۹-۷۱.
- صفا، فضل‌الله، (۱۳۴۵)، «گزارش آقای دکتر فضل‌الله صفا در مراسم آغاز توزیع کتاب‌های درسی تحصیلی». نشریه آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، دوره ۳۶، ش ۴، صص ۱۳-۲۰.
- علی‌نژاد، سیروس، (۱۳۹۵)، از فرانکلین تا لاله زار. تهران: ققنوس.
- فیلیستروپ، ج. م، (۱۳۵۷)، «مؤسسه انتشارات فرانکلین تهران» ترجمه آرین گیتی، مجله نامه انجمن کتابداران ایران. ش ۴۱، بهار، صص ۳۶-۷.

- مجیدی، موسی، (۱۳۶۴)، «تاریخچه مختصر کتاب‌های درسی و سیر تطور آن در ایران (از دارالفنون تا به امروز)»، نشریه آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، ش ۴، صص ۶۵-۹۵.
- معتمدی، اسفندیار؛ بررسی تاریخ تحولات کتاب‌های درسی مدارس در ایران (۱۳۳۰-۱۳۹۰ ه.ش)، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۱۱-۱۳۱.
- نائل خانلری، پرویز، (۱۳۴۲)، «درباره کتاب‌های درسی»، نشریه آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، دوره ۳۳، ش ۷، صص ۱-۸.
- یادگار، ژیلدا، (۱۳۵۸)، بررسی فعالیت‌های مؤسسه انتشارات فرانکلین. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- یوسفی، مهدی؛ (۱۳۹۵)، «تمایز یابی نهادهای ادبیات کودک در دهه ۱۳۴۰»، در درآمدی بر مطالعات کودکی در ایران، نشر آگاه، صص ۴۹-۸۸.
- صفت گل، منصور (۱۳۷۸)، کتابخانه دانشگاه انقلاب: تاریخ‌نویسی درسی در ایران از دارالفنون تا برافتادن فرمانروایی قاجاران، نشریه دانشگاه انقلاب، ش ۱۱۲، صص ۱۹۶-۱۵۳.
- ذاکر شهرک، مینا (۱۳۸۳)، نقش دولت در کتاب‌های درسی، نشریه پژوهش نامه ادبیات کودک و نوجوان، ش ۳۷، صص ۶۸-۶۳.
- Books for developing countries guide for Enlisting Private-Industry Assistance, (1969), prepared by franklin book program Inc, New York: franklin book program Inc.
- Smith Jr, Datus C. (2012), "Franklin Book Program," Encyclopædia Iranica, online edition, accessed 31 January 2012, <http://www.iranicaonline.org/articles/franklin-book-program>.
- Smith Jr, Datus. (1989), C, A Guide to Book Publishing, Published by Univ of Washington Pr, Baltimore, Maryland, U.S.A.
- <https://www.loc.gov/r/rarebook/coll/franklinbookprogram.html>.
- Stanley A. Barnett, Roland R. Pig ford, (1969), Manual on and Book Library activities in Developing countries, Agency for International development Contract AID/csd-2156.
- Haddadian-Moghaddam, Esmaeil. (2016), "The Cultural Cold War and the Circulation of World Literature Insights from Franklin Book Programs in Tehran." Journal of World Literature 1, No 3, 371-390.

اسناد

کتابخانه ملی و سازمان

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران [ساکما]، شماره بازیابی ۱۹۸۹۱۲-۲۶۴، شماره سند ۵
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران [ساکما]، شماره بازیابی ۰۹۴۶۱۱-۲۹۸، شماره سند ۰۰۲۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران [ساکما]، شماره بازیابی ۰۹۲۵۹۹-۲۹۸، شماره سند، ۰۰۲۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران [ساکما] شماره بازیابی ۰۹۲۵۹۹-۲۹۸، سند شماره‌های ۰۰۲۱ تا ۰۰۳۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران [ساکما]، شماره بازیابی ۰۹۴۶۱۱-۲۹۸، اسناد شماره ۰۰۱۰.
- مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی ۸۲۹۱۵۱، شماره سند ۸.
- مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی ۸۲۹۱۵۱، شماره سند ۱۰-۸.
- مرکز اسناد ریاست جمهوری شماره بازیابی، ۸۲۹۱۵۱.
- مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی، ۶۴۸۰۷.

References and Bibliography

- Azarang, Abdul Hossein, (2016), History and evolution of publishing. Tehran: Book House publisher.[In Persian]
- Books for developing countries guide for Enlisting Private-Industry Assistance, (1969), prepared by franklin book program Inc, New York: franklin book program Inc.
- Bayat, Kaveh, (1395), "Franklin's experience." Conversation magazine. No. 7, pp. 57-63.[In Persian]
- Jalāl Āl-e-Ahmad, (1963), " Anarchy of textbooks:"Blebshu textbooks" Three other articles, without place.[In Persian]
- Jafari, Abdur Rahim, (2009), in the lamentation of the same industrialist. Bukhara Magazine, No. 72 and 73.[In Persian]
- "The way of no return." Journal of Education and Training, Vol 33, No.9, pp. 11-25.[In Persian]
- Haddadian-Moghaddam, Esmaeil. (2016), "The Cultural Cold War and the Circulation of World Literature Insights from Franklin Book Programs in Tehran." Journal of World Literature 1, No 3, 371-390.
- Riahi, Mohammad Amin, The story of textbooks (a page from the history of Iranian culture), Bukhara, 2017, No. 2, pp. 60-80.[In Persian]

- Riahi, Mohammad Amin; A story called Textbook, Education and Training magazine, 33rd Pea, Khordad 1963, No4, pp.1-24.[In Persian]
- Safa, Fazlullah, (1966), "The report of Mr. Dr. Fazlullah Safa in the ceremony of starting the distribution of educational textbooks." Journal of Education and Training, Vol 36, Vol4, pp. 13-20.[In Persian]
- Smith Jr, Datus C.(2012), "Franklin Book Program," Encyclopædia Iranica, online edition, accessed 31 January 2012, <http://www.iranicaonline.org/articles/franklin-book-program>
- Sadeghi, Maqsood Ali and Mohammad Reza Askrani; A historical introduction on the process of compiling and publishing the first textbooks, scientific-research journal of the faculty of literature and humanities of Isfahan University, second vol, number 50, autumn 2016, pp. 71-89. [In Persian]
- Smith Jr, Datus. (1989), C, A Guide to Book Publishing, Published by Univ of Washington PR, Baltimore, Maryland, U.S.A. <https://www.loc.gov/r/rarebook/coll/franklinbookprogram.html>.
- Stanley A. Barnett, Roland R. Pigford, (1969), Manual on and Book Library activities in Developing countries, Agency for International development Contract AID/csd-2156.
- Alinejad, Siros, (2015), from Franklin to Lalehzar . Tehran: Qoqnoos Publication .[In Persian]
- Filstrup, J. M. (1978), "Tehran Franklin Publishing Institute" translated by Arin Gitti, Journal of Iran Librarian Association. No. 41, Spring, pp.7-36.[In Persian]
- Majidi, Mousa, (1985), "A Brief History of Textbooks and Its Evolution in Iran (From Darolfonoon to Today)." Journal of Education and Training, Vol 4, pp. 65-95.[In Persian]
- Motamedi, Esfandiari; Reviewing the history of the evolution of school textbooks in Iran (1390-1230 AH), research and writing academic books, number 25, summer 2011, pp. 131-111.[In Persian]
- Natal Khanlari, Parviz, (1963), "About textbooks." Journal of Education and Training, Vol 33, Vol 7, pp. 1-8.[In Persian]
- Yadgar, Jila, (1379), review of the activities of Franklin Publishing Institute. Master thesis of University of Tehran. [In Persian]

- Yousefi, Mehdi; (2015), "Differentiating institutions of children's literature in the 1340, in an introduction to childhood studies in Iran, Eshar Aghah publisher, pp. 49-88.[In Persian]
- Sefatgol, Mansour (1999), Ingleb University Library: Curriculum Historiography in Iran from Dar al-Funoon to the rise of Qajar rule, Ingleb University Journal publisher, Vol. 112, pp. 153-196.[In Persian]
- Zakir Shahrak, Mina (2004), The Role of the Government in Textbooks, Research Journal of Children's and Adolescent Literature, Vol. 37, pp.63-68.[In Persian] .

Documents [In Persian]

- The National Library and Archives of Iran[SAKMA] retrieval number 264-۱۹۸۹۱۲, document number ۰.
- The National Library and Archives of Iran[SAKMA] retrieval number 298-۰۹۴۶۱۱, document number ۰۰۲۰.
- The National Library and Archives of Iran[SAKMA] retrieval number 298-۰۹۲۰۹۹, document number, ۰۰۲۱.
- The National Library and Archives of Iran] SAKMA] retrieval number 298-۰۹۲۰۹۹, document numbers ۰۰۲۱ to ۰۰۳۴.
- The National Library and Archives of Iran] SAKMA] retrieval number 298-۰۹۴۶۱۱, document number ۰۰۱۰.
- The National Library and Archives of Iran] SAKMA] , retrieval number ۸۲۹۱۰۱, document number ۸.
- Presidential Documents Center, retrieval number 829151, document number ۸-۱۰.
- Presidential Documents Records Center, retrieval number, 829151.
- Presidential Documents Records Center, retrieval number, 64807.